

۷- شبهه عدم جریان نزاع بحث مشتق در اسم زمان را ذکر نموده و با توجه به عبارت «أن هیئة اسم الزمان موضوعه لما هو یعم اسم الزمان و المكان و یشملهما معاً... و الهیئة إذا كانت موضوعه للجامع بین الظرفین، فهذا الجامع یکفی فی صحّة الوضع له و تعمیمه لما تلّبس بالمبدأ و ما انقضی عنه أن یکون أحد فردیه یمكن أن يتصور فيه انقضاء المبدأ و بقاء الذات»، جواب مرحوم مظفر (ره) از آن را تبیین نماید. ص ۹۹-۱۰۰

جواب: یکی از شرایط بحث مشتق این است که با از بین رفتن و صف، خود ذاتی که دارای و صف بود باقی بماند تا بحث کنیم که آیا متّصف نمودن این ذات به و صف سابقش حقیقت است یا مجاز ولی اگر ذات هم از بین برود، دیگر بحث مشتق مطرح نمی شود. در اسم زمان نیز این شرط وجود ندارد زیرا زمان تدریجی الحصول است و با آمدن یک بخش جدید از آن، بخش قبلی از بین می رود و اصلاً آن ذات سابق موجود نیست تا بخواهیم در مورد حقیقی یا مجازی بودن اتّصاف آن ذات به و صف سابق بحث کنیم.

جواب مرحوم مظفر: اگر بحث مشتق در هیأت اسم زمان فقط به خاطر کاربرد آن در اسم زمان بود این اشکال صحیح بود ولی این هیأت اختصاص به اسم زمان ندارد و در واقع برای ظرف به کار می رود که هم شامل ظرف زمان است و هم ظرف مکان و مکان از اموری است که با از بین رفتن و زوال وصف آن، اصل ذاتش باقی می ماند پس بحث مشتق در واقع در مورد این هیأت مطرح می شود؛ گرچه نسبت به کاربرد آن در اسم زمان بحث مشتق جاری نمی شود ولی نسبت به کاربرد آن در اسم مکان این بحث جاری است.

۸- با توجه به عبارت «النزاع هنا فی حصول المفهوم للجملة لا فی حجّته بعد فرض حصوله»، مراد از نزاع در حجیت مفهوم را نوشته و هر یک از مفهوم موافق و مخالف را در ضمن مثالی تبیین نماید. ص ۱۵۶-۱۵۷

جواب: نزاع در حجیت مفهوم در حقیقت نزاع در وجود دلالت بر مفهوم است یعنی آیا جمله ظهور در مفهوم دارد یا خیر؟، و الاً اگر جمله ظهور داشت قطعاً حجت است.

مفهوم موافق: مفهومی که نوع حکم آن با نوع حکم منطوق، یکی باشد، مثلاً اگر منطوق دالّ بر لزوم است، مفهوم نیز چنین باشد، مثل آیه «لا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ» که منطوقش دالّ بر عدم جواز گفتار زشت با والدین است و مفهوم موافقش، عدم جواز بدرفتاری با والدین است.

ب) مفهوم مخالف: مفهومی که نوع حکم آن با نوع حکم منطوق، یکی نباشد، مثلاً: «إن جائك زيد فأكرمه» که منطوقش دالّ بر لزوم اکرام و مفهومش - بر فرض وجود - دالّ بر عدم لزوم اکرام است. به عبارت دیگر، حکم در منطوق، لزوم اکرام است و در مفهوم عدم لزوم اکرام.

۹- در ضمن مثال بیان نماید که قاعده «عدم تداخل مسببات» در چه صورتی استثناء خورده است؟ ص ۱۶۷-۱۶۸

جواب: در صورتی که دو واجب داشته باشیم که نسبت بین آنها عموم و خصوص من وجه باشد و هر کدام از آنها نسبت به مورد اجتماع مطلق باشند، مانند اینکه یکبار مولى بگوید: «تصدق علی مسکین» و و بار دیگر بگوید: «تصدق علی ابن سبیل»، در این صورت چنانچه هر دو عنوان فقیر و ابن سبیل در شخصی جمع بود، با یکبار صدقه دادن به او هر دو خطاب امتثال می شود.

۱۰- استدلال به «ان الاصل فی القیود ان تكون احترازية» بر مفهوم داشتن وصف را تقریر و سپس جواب آن را بنویسید. ج ۲ ص ۱۷۲

جواب: استدلال: اصل عقلانی این است که هرگاه متکلمی قیدی را در کلام خود می آورد برای احتراز و دوری کردن از غیر آن است و این همان معنای مفهوم داشتن وصف است.

جواب از استدلال: این اصل را قبول داریم ولی معنای احترازی بودن این است که موضوع این حکم، این قید را دارد و ضیق است ولی اثبات حکم برای یک موضوع خاص نفی سنخ حکم از غیر این موضوع نمی کند مثل لقب.

* سؤال زیر مختصّ طلاب غیر حضوری «مکاتبه ای» می باشد:

۱۱- دلالت تصویری و تصدیقی را تعریف کرده و بنویسید آیا مصنف (ره) این تقسیم را قبول دارد؟ چرا؟ ج ۲ ص ۶۴ و ج ۲ ص ۶۵

۶۵ س ۱۴-۲ نمره

جواب: دلالت تصویری آن است که ذهن انسان به مجرد شنیدن یک لفظ از هر لافظی به معنای موضوع له آن لفظ منتقل شود اگر چه بدانند متکلم آن معنا را اراده نکرده است. (۰/۷۵ نمره)

دلالت تصدیقی عبارت است از دلالت لفظ بر معنایی که متکلم اراده کرده و قصدش از استعمال این لفظ تفهیم آن معنا باشد. (۰/۷۵ نمره)

خیر، زیرا تصویری اصلاً دلالت نیست و مقصودی را بیان نمی کند. (۰/۵ نمره)